

بازکاوی روش‌شناسی مردم‌نگاری به‌عنوان رویکردی کیفی

سارا مسعودی^۱، سیفال‌اله فضل‌الهی قمشی^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار و دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

هدف از پژوهش پیش رو نگاهی جدید به روش مردم‌نگاری (قوم‌نگاری) است. مردم‌نگاری بر اساس بنیان نظری بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیفی دقیق و فشرده از موضوع مورد مطالعه می‌پردازد و توصیف عمیق تحلیلی از موقعیت فرهنگی و فرهنگ ارائه می‌کند. رویکرد مردم‌نگاری، رویکردی کل‌گرایانه است. بدین معنا که کنش انسانی در زمینه‌ای که کنش در آن رخ می‌دهد، ارزیابی می‌شود. فلسفه کل‌گرایانه مردم‌نگاری بر این اعتقاد است که کنش انسانی، تجلی امری خاص است که شناسایی آن جز در قالب زمینه کلی امکان‌پذیر نیست. در میان روش‌شناسی‌های کیفی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرند، روش قوم‌نگاری سابقه طولانی و برجسته‌ای دارد. در پژوهش حاضر به واکاوی کتاب‌ها و مقالات منتشر شده پیرامون مردم‌شناسی پرداخته شده است. ساختار و واژه‌شناسی، مبانی فلسفی، تاریخچه پیدایش، مراحل، چگونگی گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن و در نهایت انتقادات وارده به روش پژوهش مردم‌نگاری مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه پژوهش حاضر حاکی از آن است که مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه مورد بررسی، باعث دیدی جامع‌نگر با اعتبار نسبتاً بالایی در این روش پژوهش گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مردم‌نگاری، قوم‌نگاری، پژوهش کیفی، روش‌شناسی

مقدمه

روش پژوهش مردم‌نگاری یکی از روش‌های علمی و کیفی پژوهش در علوم انسانی است که در آن پژوهشگر با درگیری فعال در میدان مطالعه، به دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی از گروه‌ها یا فرهنگ‌ها است. مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه مورد بررسی، باعث دیدی جامع‌نگر با اعتبار نسبتاً بالایی در این روش پژوهش گردیده است. مردم‌نگاری بر اساس بنیان نظری بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیفی دقیق و فشرده از موضوع مورد مطالعه می‌پردازد و توصیف عمیق تحلیلی از موقعیت فرهنگی و فرهنگ ارائه می‌کند (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۳). قوم‌نگاری با انتخاب موضوعاتی در زمینه مطالعه فرهنگ‌ها و گروه‌ها به کسب معرفت از سبک زندگی، درک و عقاید مورد مطالعه، تمایل دارد. بر این اساس، بر فهم دیدگاه‌های کسانی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند تأکید می‌کند. چنانکه به این مهم دست یابد، خواهد توانست سیستم معانی حاکم بر فرهنگ گروه مورد مطالعه را ترسیم کند. بدیهی است که طبق این سیستم معانی در فرآیند تحقیق قوم‌نگاری کشف می‌شوند (ایمانی، ۱۳۸۱).

روش پژوهش مردم‌نگاری

بارتلد گئورگ نور در ۲۷ ماه اوت سال ۱۷۷۶ میلادی در شهر کپنهاگ، متولد شد. وی یک مورخ و سیاستمدار اهل آلمان بود. پدر وی کارستن نیبور، یک جغرافی‌دان برجسته بود. بارتلد ابتدا تحت آموزش اولیه پدرش قرار گرفت. وی جوان با هوش، دارای شخصیتی جذاب، ساده، صادق و درعین حال حساس بود. نیبور وارد دانشگاه کیل شده و به مطالعه حقوق و فلسفه پرداخت و در سال ۱۹۹۸ به انگلستان رفت. دوران اقامتش در انگلستان به گفته خود وی، او را با نقاط کلیدی تاریخ روم آشنا کرد. وی در سال ۱۷۹۹ به دانمارک بازگشت و وارد کار دولتی شد. در سال ۱۸۰۰ ازدواج کرد و در سال ۱۸۰۴ مدیر ارشد بانک ملی شد. نیبور اصطلاح مردم‌نگاری را برای اولین بار در سال ۱۸۱۰ در کلاس درس خود در دانشگاه برلن به کار برد. وی نظریه اسطوره را که ابزاری قوی برای نقد تاریخی مدرن است پیشنهاد کرد. وی در ۲ ژانویه سال ۱۸۳۱ میلادی در ۵۵ سالگی در شهر بن درگذشت (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۴).

انسان‌ها در تعاملات اجتماعی و در قالب یک بستر فرهنگی، از دانستنی‌ها یا معرفت فرهنگی برخوردار می‌شوند. دانستنی‌های فرهنگی، به عنوان مخزن دانش و معرفت انسان، تعیین کننده دیدگاه انسان برای هدایت رفتارها و کنش‌های اجتماعی است. فرهنگ از یک سو مخلوق کنش با معنا و از سوی دیگر هدایتگر و حتی تولید کننده ی آن است. فرهنگ تمام جنبه‌هایی است که با رفتار و باورها در ارتباط می‌باشد و بر دو گونه ی مادی و غیر مادی

^۱Ethnography Research Method^۲Copenhagen^۳Carsten Niebuhr^۴University of Kiel^۵University of Berlin^۶The Theory of the Myth^۷Bonn

است. فرهنگ مادی تمام آن چیزهایی است که در قید ماده است مثل؛ محل سکونت، نحوه تردد، خوراک و... و فرهنگ غیر مادی شامل سبیل ها، رسوم و ارتباطات روحی است که در فرهنگ مادی جریان دارد و بر فرهنگ غیر مادی، واحدهای اجتماعی و کل جامعه، موثر خواهد بود. شخصیت نیز بر این اساس ساخته می‌شود که اساسی ترین موضع علم روانشناسی در محور اساسی بحث های انگیزش، یادگیری، تفکر، عواطف، احساسات و ... است (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۵). در صورتی که افراد یک گروه برای مدت زمان قابل توجهی با یکدیگر در تعامل بوده، ارزش‌های ویژه‌ای را رعایت کرده و الگوهای رفتاری خاصی را رعایت کرده باشند، برای مطالعه آنان می‌توان از روش پژوهش مردم‌نگاری استفاده کرد (بازرگان، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۱).

مردم نگاران از طریق غرق شدن در یک زمینه قابل مقایسه با زمینه پژوهش علمی، متغیرها را تفکیک کرده و شرایط را کنترل می‌کنند به طوری که یافته‌ها بتوانند تکرار شوند و معنا و مفهوم را ایجاد کنند. مردم‌نگاری، یک سبک نگارش شرح حال است که تحلیل فرهنگ، احساسات، ارزش‌ها و فرهنگ فرد را به مسائل اجتماعی بزرگ‌تر مرتبط می‌سازد. مردم‌نگاری با مقوله تاریخ‌نویسی و پژوهش تاریخی متفاوت و دارای اسلوب‌های خاص خویش است (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۵).

واژه‌شناسی پژوهش مردم‌نگاری

مردم‌نگاری معادل فارسی اصطلاح یونانی Ethnography است که ترکیب دو کلمه اتنوا به معنی قبیله، «ملت»، «مردم» و «گرانی» به معنی «نوشتن» می‌باشد. از نظر لغوی روش مردم‌نگاری، توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم است. واژه مردم‌نگاری در معنای ریشه‌ای خود، مفهوم توصیف را می‌رساند. Graphein در یونانی به مفهوم «توصیف»، «ترسیم» یا «نگاشتن» است (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۵).

مبانی فلسفی روش پژوهش «مردم‌نگاری»

پایه‌های فکری و ریشه‌های نظری مردم‌نگاری به پدیدارشناسی و در برخی دیگر از مکاتب به پارادایم تفسیرگرا برمی‌گردد. اثبات‌گرایان نیز برای بررسی جنبه‌های تجربی و توصیفی رفتار انسان از مردم‌نگاری استفاده‌های فراوانی کرده‌اند، بنابراین می‌توان گفت که مردم‌نگاری در اکثر مکاتب عمده پژوهش مطرح شده است، اما در پژوهش‌های کیفی و تفسیرگرا بیشتر مورد توجه می‌باشد (نعمتی شمس آبادی، ۱۳۸۷). مردم‌نگاری به چهار مکتب عمده تقسیم شده است تا تعاریف مختلف ارائه شده از مردم‌نگاری و قومیت شناسی را در بر گیرد:

مردم‌نگاری کلاسیک^۱ بررسی توصیف عرصه است و در شرایطی استفاده می‌شود که رفتار در آن صورت می‌گیرد و نیاز به صرف وقت زیاد و زندگی کردن در آن محیط و احساس شرایط مورد نظر دارد.

مردم‌نگاری سیستمیک^۲ به تعریف ساختار فرهنگ می‌پردازد و بر توصیف تعاملات، احساسات و عناصر اجتماعی کمتر تأکید دارد.

مردم‌نگاری تفسیری^۳ که مردم‌نگاری تأویلی نیز نامیده می‌شود، کشف معانی و مفاهیم تعاملات اجتماعی مورد مشاهده است و به نظر برخی صاحب‌نظران بیشتر تحلیل و تفکر است تا مشاهده و توصیف. یعنی مشاهداتی صورت می‌گیرد اما تعمق،

^۱Description

^۲Classic Ethnography

^۳Systemic Ethnography

تأمل، درنگ و تفسیر آن مشاهدات، نتایجی دیگر به بار می‌آورد. مثال: مسافرت برخی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به آفریقا و مطالعه رفتارهای این قبایل بدوی.

مردم‌نگاری انتقادی^{۱۲} اعتقاد دارد که فرهنگ را باید در شرایط متفاوت شناخت، این شرایط ممکن است تغییرات سیاسی یا اقتصادی باشد. پژوهشگر در بطن این شرایط، تغییرات فرهنگی را می‌شناسد (ادیب حاج باقری، پرویزی، & صلاصی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۳).

رویکرد مردم‌نگاری، رویکردی کل‌گرایانه است. بدین معنا که کنش انسانی در زمینه‌ای که کنش در آن رخ می‌دهد، ارزیابی می‌شود. فلسفه کل‌گرایانه مردم‌نگاری بر این اعتقاد است که کنش انسانی، تجلی امری خاص است که شناسایی آن جز در قالب زمینه کلی امکان‌پذیر نیست. بدین معنا که مردم‌نگاری در تلاش است تا با رجوع به کل سیستم اجتماعی - فرهنگی به فهم ساخت‌های اجتماعی و فرایندهای عناصر یک سیستم دست پیدا کند. در این راستا، معنای هر جزء با اتصال و در ارتباط با کل حاصل می‌شود. به سخن دیگر اجزاء در زمینه کل سیستم ارزیابی می‌شوند (ایمان، ۱۳۹۱، ص. ۴۵).

تاریخچه پیدایش و روند تکامل روش «مردم‌نگاری»

در میان روش‌شناسی‌های کیفی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرند، روش قوم‌نگاری سابقه طولانی و برجسته‌ای دارد. مردم‌نگاری شامل مجموعه خاصی از روش‌های روش‌شناختی و تفسیری است که عمدتاً در قرن بیستم تکامل یافته است. باین‌حال، مردم‌نگاری به قدمت آثار هرودوت^{۱۳} است. آن قوم‌نگار یونان باستان با ذوق فراوان و گاه تحقیرآمیز، تنوع و موضوعات غریبی را که در فرهنگ‌های دیگر می‌دید، ثبت کرد (Sanday, 1979). نوعی مردم‌نگاری تاریخی^۴ را در قرون پیشین و در سفرنامه‌ها و سیاحت نامه‌های برخی مورخان می‌توان یافت که از آداب، رسوم، سنت‌ها، زبان به طور کلی، فرهنگ و خرده فرهنگ‌های اقوام مختلف مطالب فراوانی جمع‌آوری کرده‌اند. از آن جمله می‌توان «سفرنامه ی ناصرخسرو قبادیانی» در قرن چهارم و پنجم ه. ق در ایران، «سفر نامه ی ابن بطوطه» در قرن هشتم ه. ق در مراکش و نوشته‌های «هرودوت» در یونان در قرن پنجم قبل از میلاد نام برد. مردم‌نگاری مدرن از واپسین سال‌های قرن نوزدهم به‌عنوان گرایشی در جامعه‌شناسی، در مغرب زمین نضج گرفت. اصطلاح مردم‌نگاری در سال ۱۸۱۰ میلادی معمول شد و نخستین بار مردم‌شناس آلمانی به نام «نیبور» در کلاس درس خود در دانشگاه برلن آن را عنوان کرد (سلیمانی، ۱۳۸۸).

اگرچه برخی صاحب‌نظران تاریخچه مردم‌نگاری را به قرن پنجم قبل از میلاد نسبت می‌دهند ولی دانشمندانی همچون «بواس»^{۱۴} از بریتانیا برای نخستین‌بار^{۱۵} به چنین پژوهش‌هایی دست‌زده‌اند. هدف این پژوهشگران شناخت فرهنگ، آداب، و پندارهای اقوام ابتدایی این سرزمین و پیشگیری از نابودی و به‌بوته فراموشی سپردن آنها بوده است (میره جینی، ۱۳۸۷). در نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپا تفاوت دو علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، در حوزه‌ی مورد مطالعه بود. مردم‌شناسان اروپایی حوزه مورد مطالعه شان را جوامع مستعمره (که به زعم آنها ابتدایی می‌نمود) قرار داده بودند، اما سیاستهای استعمار طلبانه ی

^{۱۲} Interpretation Ethnography

^{۱۳} Critical Echography

^{۱۴} Herodotus

^{۱۵} Historical Ethnography

^{۱۶} Franz Boas

کشورهای متبوع در نوع پژوهش‌های آنها بی‌تاثیر نبود. پس از جنگ جهانی دوم و با به استقلال رسیدن مستعمرات، این پژوهشگران مجبور شدند به کشورهای خود بازگردند و وارد حوزه‌هایی شوند که پیش از آن صرفاً در محدوده‌ی مطالعه‌ی جامعه‌شناسی قرار داشت. این تفاوتها عمدتاً در روش پژوهش بود (نادری & سیف‌نراقی، ۱۳۸۶). تغییر زبانی، از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، نه تنها به معنی تغییر روش‌شناختی است و با مطالعه‌ی ارتباطات به‌عنوان یک نتیجه‌ی قابل‌سنجش متفاوت است، بلکه بیانگر تحول اساسی در روش‌هایی است که پژوهشگران برای ایجاد دانش و شناخت جهان به کار می‌برند (Dietze, 2003).

معرفی روش پژوهش مردم‌نگاری

مردم‌نگاری یک روش پژوهش کیفی در رشته‌های انسان‌شناسی و علوم اجتماعی است که شامل مشاهده، ثبت و ضبط روابط اجتماعی، مکان‌ها و فرهنگ‌ها می‌باشد. مردم‌نگاری ریشه در مردم‌شناسی دارد و عبارت است از توصیف کامل و همه‌جانبه‌ی مظاهر مادی و غیرمادی (معنوی) جوامع مختلف. مردم‌نگاری، مشاهده در محل، توصیف و تحلیل گروه‌های انسانی است که به قدر کفایت کوچک بوده و به‌این‌علت می‌توانند، تماماً توسط تعداد محدودی از پژوهشگران، از طریق روش‌های عموماً غیر آماری مطالعه و درک شوند (مک‌نیل، ۱۳۷۶). در مردم‌نگاری تنها به توصیف کمی پدیده‌ها اکتفا نمی‌شود و هر پدیده در بافت خودش به صورت کیفی تفسیر می‌شود چرا که یک مقوله‌ی رفتاری ممکن است در بافت‌های گوناگون، معانی متفاوت و حتی متناقضی داشته باشد. تفسیر کیفی پدیده‌ها در شرایط طبیعی ایجاب می‌کند که پژوهشگر از نزدیک بر زمینه‌ی پژوهش وارد شود (نعمتی شمس‌آبادی، ۱۳۸۷). یعنی نوعی نزدیکی و وارد شدن به موضوع و حتی یکی شدن با آن. این روش‌ها صرفاً روش‌های توصیفی نیستند. مردم‌نگاری در حقیقت نوعی تحلیل است. وقتی ما دست به توصیف دقیق و عمیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف، یک تحلیل است. (فکوهی، ۱۳۸۵، ص. ۴۸۰).

دو ویژگی‌های اساسی در قوم‌نگاری وجود دارد:

۱. مشاهده در یک محیط طبیعی انجام می‌شود
 ۲. محققان باید درک کنند که یک رویداد چگونه توسط مردم در یک جامعه درک می‌شود
- و تفسیر می‌شود. به عبارت دیگر، محققین وضعیت مشاهده شده را از دیدگاه شرکت‌کنندگان تفسیر کنند. قوم‌نگاری نیز بر مشاهدات تعاملات و مصاحبه با آنها متکی است.
- ویژگی دیگر "کل‌نگر" بودن است که به معنای دیدن داده‌ها به‌عنوان یک کل برای به‌دست‌آوردن مبنایی برای توضیح در مورد واقعیت قابل‌مشاهده است. ویژگی بعدی این است که رویکرد قوم‌نگاری فرضیه را قبل از تحقیق تدوین نمی‌کند. بلکه با جمع‌آوری داده‌ها، فرضیه ظاهر می‌شود (Nurani, 2008)

روش پژوهش مردم‌نگاری دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

۱. دیدگاه کل‌گرا: در این نوع پژوهش‌ها، مشاهده‌گر بر کل بافت مورد مطالعه تأکید دارد. به عبارت دیگر عناصری که به نحوی با پدیده‌های مورد مطالعه رابطه دارند از جنبه‌های مختلف بررسی می‌شوند و این امکان ایجاد می‌شود تا ارتباطات اجتماعی، بعد زمانی، مکانی و امثال آن درباره فرد به‌صورت یک کل مورد نظر قرار گیرد (اسپرلی & مک کوردی، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۷-۱۲۸).

۲. ویژگی بافت‌گرایی: مردم‌نگاران معتقدند که رفتار هر فرد تحت‌تأثیر بافتی است که در آن قرار دارد از این‌رو نتایج حاصله از پژوهش مردم‌نگاری تنها در محیط مورد مطالعه خود قابل تفسیر است؛ بنابراین تعمیم نتایج، مورد نظر پژوهشگر نمی‌باشد.
۳. ماهیت کیفی - پدیدارشناختی؛ برای درک کامل رفتار باید احساسات و افکار فرد در باره یک رفتار ویژه شناخته شود، زیرا جنبه واحدی از رفتار می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. از این‌رو انتخاب یک چارچوب مشخص برای تفسیر، کدگذاری و مقوله‌بندی کردن رفتارها، ضروری است.
۴. استفاده از روش شرکت‌کننده - مشاهده‌گر؛ در پژوهشی مردم‌نگاری، جمع‌آوری داده‌ها با مشاهده آن چه در شرایط طبیعی تحت مطالعه رخ می‌دهد انجام می‌شود. یک مردم‌نگار باید بافتی را که افراد در آن زندگی کرده، فکر می‌کنند و عکس‌العمل نشان می‌دهند درک کرده، حوادث مربوط را تصویر نموده و به تفسیر آنها بپردازد. این فرد را که خود نیز در صحنه رویدادها حضور دارد، شرکت‌کننده - مشاهده‌گر می‌نامند. از این‌رو مشاهده در پژوهش مردم‌نگاری گسترده‌تر از آن چیزی است که به‌صورت عینی ضبط می‌شود. غوطه‌ور بودن طولانی‌مدت در یک فرهنگ، یک مشخصه مردم‌نگاری است. از آنجایی که مردم‌نگاران روی طیف وسیعی از جنبه‌های فرهنگی از جمله استفاده از زبان، آداب و رسوم، مراسم، روابط و صنایع‌دستی تمرکز می‌کنند، تمایل دارند در کنار افراد و نزدیک آنها زندگی کرده و در مشاهدات مشارکتی و مصاحبه‌ای زمینه‌ای حضور داشته باشند. روش مردم‌نگاری، راه مفیدی برای توصیف رویکرد روش‌شناختی یک شخص فراهم می‌کند و انتقاد بالقوه از پژوهشگرانی را که می‌خواهند اصطلاح مردم‌نگاری را برای مطالعات طولانی‌مدت، جانبی، عمیق و همه‌جانبه یک فرهنگ به کار ببرند. نادیده می‌گیرد (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۹).

انواع مردم‌نگاری

- خود_مردم‌نگاری ، یکی از انواع مردم‌نگاری است که هم از اصول پایه‌ای مردم‌نگاری بهره می‌برد و هم از مبانی خود - زیست‌نگاری. هدف آن، ارائه توصیفی غنی از یک پدیده یا تجربه است و معمولاً واحد مورد تحلیل، تجربه زیسته افراد است که در بستر اجتماعی و با نگاهی کل‌نگر مورد توصیف غنی و تحلیل همه‌جانبه قرار می‌گیرد. خود مردم‌نگاری، به پژوهش، تحلیل و توصیف روایی تعاملات، فرهنگ، هویت و تجربیات خود فرد اشاره دارد. بسیاری از متون خود مردم‌نگاری به‌واسطه آسیب‌پذیری، احساسات و تصمیم شخصی سیاسی مشخص شده‌اند. روش‌شناسی خودمردم‌نگارها شامل درون‌نگری نظام‌مند و یادآوری عاطفی می‌باشد (Bochner, ۲۰۰۰) و اغلب درباره‌ی تجربیات دردناک یا غم‌انگیز است و به شکل پژوهش نوشته می‌شود. این روش‌ها می‌توانند به قصه‌های خاطره‌انگیزی منجر گردند که گفت‌وگو، تغییر و عدالت اجتماعی را تشویق می‌کنند. به عبارت دیگر، داستان‌های خود مردم‌نگاری و حتی وقتی که بسیار شخصی هستند، می‌توانند راهنماهای قابل درکی برای افراد دیگر در فضاهای مشابه فراهم سازند. چالش‌هایی در مورد این که آیا خود مردم‌نگاری، باید از نظر مفهومی به درون‌نگری نظام‌مند و یادآوری عاطفی تقسیم شود یا نه، وجود دارد. درون‌نگری نظام‌مند، با عضویت کامل، بازتابندگی و دید روایی از خود مشخص می‌شود. بدیهی است که مردم‌نگاری به خود بازتابندگی جدی و دقیق افتخار می‌کند و ممکن است در نهایت درمانی برای نویسنده و خواننده باشد. با این حال، خود مردم‌نگاری نیز درگیر گفت‌وگو با دیگران است و به نگرانی‌های علمی و نظری مربوط می‌شود و به شیوه‌ای داستان‌هایی درباره‌ی خود بیان می‌کند که راه‌های جایگزینی برای زندگی و دیدن جهان ارائه می‌نماید (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۰).

^۱Auto Ethnography

^۲Lived Experience

• مردم‌نگاری نهادی ؛ اسمیت (۲۰۰۲) رویکرد دیگری را شرح می‌دهد که از آن به نام مردم‌نگاری نهادی یاد می‌کند. در رویکرد مردم‌نگاری نهادی کانون توجه، اعمال روزمره نیست، بلکه نحوه نهادینه شدن آنها در قالب قواعد و روابط عام است که فعالیت‌های روزمره افراد در چارچوب آنها انجام می‌گیرد. رویکرد او، برای مثال، به هنگام مطالعه وظایف مادری، پیوند قدرتمندی با نظریه‌ها و موضوعات فمینیستی دارد (فلیک، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۴-۲۵۵)

• مردم‌نگاری ارتباطات ؛ نوع دیگری از مردم‌نگاری است. مردم‌نگاری ارتباطات که در گذشته با عنوان مردم‌نگاری سخنرانی شناخته می‌شد، توسط دل هایمز (۱۹۶۲) توسعه داده شده و از بسیاری از سنت‌های فکری مختلف (از جمله مردم‌شناسی، فرهنگ عامه و زبان‌شناسی اجتماعی) منتج شده است هایمز از یک رویکرد انسان‌شناسی استفاده کرد که بر صحبت به‌عنوان یک فعالیت فرهنگی متمایز، متمرکز بود. مردم‌نگاری ارتباطات با بررسی زبان محلی مورد استفاده، هم یک دیدگاه نظری است و هم روشی برای مطالعه الگوهای فرهنگی ارتباطات می‌باشد. هایمز و پژوهشگران مردم‌نگاری ارتباطات بعدی، در درجه اول هنجارهای شفاهی، گفته شده و غیرشفاهی تعامل را نیز تحلیل کرده‌اند. واحدهای کلیدی تجزیه و تحلیل برای پژوهشگران مردم‌نگاری ارتباطات عبارت‌اند از:

رویداد گفت‌وگو : مانند یک برنامه گفت‌وگوی
اعمال گفت‌وگو : به مانند یک جمله خاص یا یک علامت غیرشفاهی، مانند کسلی که دستش را بلند کرده و می‌گوید با دست بیان کن

وضعیت گفت‌وگو : یک صحنه خاص یا محیط ارتباطی، مانند پشت‌صحنه
جامعه گفت‌وگو : گروهی که انتظارات خود را در مورد این که روش ارتباطی چگونه باید ادامه یابد به اشتراک می‌گذارند، مانند مخاطبین یک برنامه گفت‌وگو (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۰).
مردم‌نگاری ارتباطات در رابطه با سه موضوع اصلی می‌باشد:

۱. در این رویکرد، قواعد زبانی و منابع مورد استفاده توسط مشارکت‌کنندگان بررسی می‌شوند.

۲. ارتباطات پیام‌ها در سراسر رسانه‌های ارتباطی مختلف بررسی و مقایسه می‌شوند.

۳. مردم‌نگاری ارتباطات به روشی توجه می‌کند که در این روش، قوانین و هنجارهای هویت، روابط، ارتباطات یا فرهنگ را مشخص می‌کند.

مردم‌نگاری به‌عنوان یک محل مشترک برای قلمروی دیگری از حساسیت‌های کیفی نیز به کار می‌رود که این قلمرو ممکن است داستان‌های امپرسیونیسم (برداشت گرا) نیز نامیده شود. (Van Maanen, 1988) ^۲

↳ Institutional Ethnography

↳ Smith

↳ Ethnography of Communication

↳ Dell Hymes

↳ Speech Events

↳ Speech Acts

↳ Speech Situation

↳ Speech Communities

این داستان‌ها در موارد مختلف با نام‌های عملکرد و متون درهم‌ویرهم (Denzin, 1978) مردم‌نگاری تحلیلی (Richardson, 2000) و مردم‌نگاری جدید (Goodall, 2000) نامیده می‌شوند. در پژوهش کیفی خواه نویسندگان، داستان‌های خودشان را تحلیل کنند یا داستان‌های دیگران را می‌تواند عملکردی شلوغ و نامرتب و یا خلاق و جدید باشد. داستان‌های امپرسیونیسم، دانش مردم‌نگاری را در قالب شعر، متن، داستان کوتاه، گزارش لایه بندی شده و نمایشنامه ارائه می‌کنند. این متون خلاق و شخصی شکل گرفته اند و برای مخاطبین عمومی و مخاطبین دانشگاهی در نظر گرفته شده‌اند. آنها اغلب در هم و بر هم هستند زیرا در یک فضای آستانه‌ای یک در میان قرار دارند که در آن فصاحت و بلاغت، عملکرد، مردم‌نگاری و پژوهش‌های فرهنگی با هم تلاقی می‌کند و همگرا می‌شوند (Conquergood, ۱۹۹۲).

و مردم‌شناسی و مردم‌نگاری دو رشته فرعی از انسان‌شناسی فرهنگی هستند. مردم‌شناسی اطلاعات به‌دست‌آمده از مردم‌نگاری را طبقه‌بندی می‌کند و از دیدگاه انسان‌شناسی که مبتنی بر جریان تکامل و رفتار انسانی است، ارائه می‌دهد و به تحلیل داده‌ها می‌پردازد تا صحت آنها را که بیانگر روابط و کارکرد عوامل مختلف آن فرهنگ ویژه است، به دست دهد (نوروزی، ۱۳۸۸). بنابراین مردم‌نگاری با روش‌هایی چون مونوگرافی، داده‌هایی را برای مردم‌شناسی فراهم کرده تا مردم شناس^۲ با مقایسه و ترکیب آنها به نتایج کلی دست یابد (میره جینی، ۱۳۸۷). مردم نگاران معمولاً یک یا چند سال را صرف مشاهده و مصاحبه با مردمی می‌کنند که می‌خواهند آنها را توصیف نمایند. در حالی که مردم‌شناسی، مطالعه و تحلیل مدارک و نتیجه گیری از یافته‌های مردم‌نگاری، به منظور شناخت خاستگاه، سیر اشاعه و تغییر فرهنگ‌ها و مطالعهٔ نهادهای اجتماعی در محدوده ای معین است (منادی، ۱۳۸۶).

تمایز مردم‌نگاری با سایر روش‌های پژوهش کیفی

برخلاف روش‌های توصیفی، مردم‌نگاری به طرح فرضیه و نظریه نمی‌پردازد و روشی کیفی و عمیق است که با ارائه گزارش جامع و توصیفی برای به‌دست‌آوردن اطلاعاتی قابل تفسیر و قابل اقتباس است. مردم‌نگاران معمولاً یک یا چند سال را صرف مشاهده و مصاحبه با مردمی می‌کنند که می‌خواهند آنها را توصیف نمایند (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۳).

مراحل انجام پژوهش با استفاده از روش «مردم‌نگاری»

طراحی پژوهش «مردم‌نگاری»

انتخاب موضوع پژوهش «مردم‌نگاری» و بیان مسئله

قوم‌نگاری کلاسیک به‌عنوان کاربرد نظریه‌های اجتماعی یک تمرین مشکوک است. آنچه که پژوهشگران ادعا می‌کنند در قوم‌نگاری مورد سؤال قرار می‌گیرد (Button, 2000). پژوهش مردم‌نگاری با بیان یک مسئله ی کلی آغاز می‌گردد. پژوهشگر با اطلاعاتی در مورد زمینه (زمان،

مکان، عرصه پژوهش و اندیشه کلی درباره محیط و ویژگی‌های آن، کار خود را آغاز می‌کند و مسئله پژوهش در فرایند پژوهش شناسایی می‌گردد. عموماً یک احساس شهودی، منشأ مسئله در مردم‌نگاری است، چون اساس این مطالعات حضور کامل پژوهشگر در عرصه و پهنه پژوهش است.

^۲Impressionism

^۲Monography

بیان اهداف و سؤالات پژوهش «مردم‌نگاری»

پژوهشگر سئوال‌های ویژه‌ای را که در چارچوب مفهومی می‌تواند تصور کند، بیان می‌نماید. این سئوالها نقطه‌ی شروع پژوهش است: و چه اتفاقی با اتفاقاتی و حالاتی روی می‌دهند؟ و چرا این گونه رفتارها، حوادث و اتفاقات رقم می‌خورند؟ و چگونه اتفاقات و حوادث رخ می‌دهند؟ (سرمد، بازگان، & حجازی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۹-۱۳۱)

انتخاب طرح پژوهش «مردم‌نگاری» و توجیه آن

مردم‌نگاری به دلیل گستردگی رویکردها، فنون و قلمروی پژوهش دارای انواع متفاوتی است که لازم است پژوهشگر نسبت به انتخاب یکی از آنها جهت انجام پژوهش اقدام نماید. محمدپور انواع پژوهش‌های مردم‌نگاری را به‌صورت ذیل طبقه‌بندی نموده است (محمد پور، ۱۳۹۲):

مردم‌نگاری وسیع: با این رویکرد، مردم‌نگاری، مترادف و معادل با کل پژوهش کیفی در نظر گرفته می‌شود، لذا به این نوع مردم‌نگاری «مردم‌نگاری به‌مثابه روش پژوهش کیفی» نیز گفته می‌شود.

مردم‌نگاری محدود: این شیوه، تنها به معنای مطالعه پژوهش میدانی تلقی شده و مانند یک روش پژوهش کیفی تصور می‌شود. در این جا، مردم‌نگاری صرفاً یک شیوه خاص انجام پژوهش کیفی است

مردم‌نگاری کلان : به مطالعه گروه‌بندی‌های فرهنگی بزرگ مانند کشورها یا شهرها می‌پردازد.

مردم‌نگاری خرد : به بررسی گروه‌بندی‌های فرهنگی محدود مانند یک سازمان یا نهاد توجه دارد.

مردم‌نگاری برون‌گروه : یک رهیافت پژوهشی است که شیوه‌های درک و تفسیر رفتارها و عناصر فرهنگی یک گروه را از منظر گروه دیگر بازنمایی می‌کند.

مردم‌نگاری درون‌گروه : یک رهیافت پژوهشی است^۲ که درک و تفسیر عناصر فرهنگی یک گروه را از منظر اعضای همان گروه مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مردم‌نگاری مقطعی - کوتاه‌مدت : مطالعه عینی یک پدیده یا میدان در یک مقطع از زمان^۳

مردم‌نگاری طولی : مطالعه یک پدیده یا میدان در مقطع‌های زمانی متعدد^۳

مردم‌نگاری قبل و بعد : مطالعه یک پدیده یا میدان در دو مقطع زمانی جدا بر^۴ اساس یک عامل خارجی مردم‌نگاری چهل‌تکه : استفاده از مجموعه‌ای از^۵ مردم‌نگاری‌های گوناگون درباره یک پدیده یا میدان اجتماعی و به‌کارگیری طرح‌های

^۲Macro Ethnography

^۲Micro Ethnography

^۲Outgroup Ethnography

^۲Ingroup Ethnography

^۲Cross Sectional Ethnography

^۲Longitudinal Ethnography

^۲Pre & Post Ethnography

^۲Patchwork Ethnography

مقطعی، طولی و طرح‌های قبل و بعد. این روش، یک رهیافت چند طرحی بوده و پویایی‌های موضوع پژوهش را بهتر نشان می‌دهد.

مردم‌نگاری تطبیقی : مجموعه‌ای از مطالعه‌های مردم‌نگارانه موردی در مورد چند پدیده برای دستیابی به یک مقایسه ی واحد و منسجم است.

مردم‌نگاری متعارف: روش کلاسیک مردم‌نگاری است که از روش‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌ی عمیق و بررسی اسناد استفاده می‌کند و توسط انسان‌شناسان اولیه انجام می‌شد.

مردم‌نگاری انتقادی: شیوه‌ای است که در آن مردم نگار بر روابط قدرت، سلطه و نابرابری در فرایند تولید معنا و ساخت‌وساز زندگی اجتماعی متمرکز شده و واقعیت‌های سطحی را افشا می‌کند.

مردم‌نگاری آنالین یا مجازی : روشی که به بررسی پدیده‌ها و میدان‌های مجازی با استفاده^۳ از روش‌های مجازی مانند مشاهده مشارکتی مجازی، مصاحبه مجازی و بررسی اسناد مجازی می‌پردازد.

مردم‌نگاری آزمایشی : روشی است که به بررسی تأثیرهای برنامه‌های فرهنگی انجام شده بر افراد، پدیده‌ها یا میدان‌های فرهنگی می‌پردازد.

مردم‌نگاری نهادی یا فمینیستی: روشی است که توسط فمینیست‌ها برای درک و بررسی مردم نگارانه‌ی جهان اجتماعی زنان از نقطه‌نظر آنان پیشنهاد شده است.

مردم‌نگاری تحلیلی : این روش در برابر مردم‌نگازی تفسیری مطرح شده است.^۴ هدف این رهیافت صوری، شناخت قواعد شناختی زیرین رفتار، تجربه و ادراک است.

مردم‌نگاری چند مکانی: این نوع مردم‌نگاری به فرایند چرخش و جریان معنا در بین موقعیت‌های گوناگون پرداخته و هدف آن نشان‌دادن ماهیت پراکنده و انشقاق‌یافته‌ی معنا در جامعه معاصر است.

فرا مردم‌نگاری : رهیافتی است که مانند مردم‌نگاری چهل‌تکه به ترکیب مطالعه موردی متعدد برای فهم عمیق‌تر و وسیع‌تر یک پدیده یا میدان می‌پردازد.

مردم‌نگاری شبکه‌ای : هدف این شیوه، مطالعه ابعاداً مختلف رسانه‌های ارتباطی مدرن است.

مردم‌نگاری تفسیری: شیوه‌ای است که بر تفسیر و توصیف همه‌جانبه معنای پدیده مورد مطالعه در بستر خاص آن تمرکز دارد.

مردم‌نگاری تاریخی : هدف این روش تمرکز بر داده‌ها و اسناد تاریخی برای بررسی^۴ پدیده ه و رویدادهای تاریخی است.

^۳Comparative Ethnography

^۲Online & Virtual Ethnography

^۲Experimental Ethnography

^۴Analytical Ethnography

^۴Meta Ethnography

^۴Network Ethnography

^۴Historical Ethnography

مردم‌نگاری تصویری : این نوع مردم‌نگاری از داده‌های تصویری مانند عکس، فیلم، ابزار دنیای مجازی و مدرن، کروکی و نظایر آن برای توصیف و درک پدیده مورد مطالعه استفاده می‌کند.

مردم‌نگاری جهانی : این روش به بررسی پدیده‌های جهانی کلان و خرد در فضای الکترونیک و مجازی پرداخته و با مردم‌نگاری مجازی و شبکه‌ای ارتباط دارد.

مردم‌نگاری صوری: در این معنا، مردم‌نگاری به عنوان یک روش مستقل در رشته‌های مختلف مانند مدیریت، پرستاری، مشاوره، بازاریابی و غیره یا موضوع‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مردم‌نگاری پست‌مدرن: این روش ضمن نقد گزارش‌های مردم‌نگاری کلاسیک، به افشای ماهیت پراکنده، گسسته، سیال و مبهم عناصر و معانی فرهنگی در عصر پست‌مدرن می‌پردازد.

مردم‌نگاری بازاندیشانه : این روش بر مفاهیم خود-تأملی، بازاندیشی و خود-گفت‌وگویی در نظام معنایی سوژه‌های مورد بررسی تمرکز دارد.

تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه در پژوهش «مردم‌نگاری»

باتوجه به ژرفانگر بودن روش مردم‌نگاری، محدود کردن قلمرو مطالعه ضروری است. زیرا فقط در قلمرو محدود امکان ژرفانگری وجود دارد. بدین ترتیب پژوهشگر می‌تواند مانند عضوی از اعضای گروه، به مشاهده و مصاحبه بپردازد و آداب، اعمال و رفتار فرهنگی را ثبت و ضبط نماید.

قلمرو موضوعی؛ محدود کردن صوری و کمی، اولین قدم روش پژوهش است. ولی هر قدر هم که جامعه‌ای محدود و کوچک باشد اهمیت کیفی تکنیک‌ها، ضوابط، روابط و بالاخره خصوصیات فرهنگی جامعه محدود نمی‌شود؛ بنابراین برای پرهیز از کلی نویسی و پژوهش‌های سطحی، پژوهشگران الزاماً یک نهاد اجتماعی و حتی محدودتر، یعنی یک موضوع را انتخاب می‌کنند و فرصت و امکان بررسی آن را در ابعاد مختلف و در ارتباط با نهادهای دیگر فراهم می‌کنند و به جای تحلیل یک طیف کلی از موضوعات فرهنگی، بر تحلیل خود در مورد یک یا دو مفهوم خاص در رابطه با سؤالات پژوهشی تمرکز می‌کنند.

قلمرو زمانی؛ از آنجاکه تکیه مردم‌نگاری بر مشاهده است، حداقل زمانی که پژوهشگر بتواند شاهد فعالیت‌های به هم پیوسته زندگی اجتماعی در همه فصول و تمامی روزها باشد یک سال است و معمولاً همین مدت را برای انجام پژوهش توصیه می‌کنند. بدیهی است که با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، اداری و خانوادگی، توقف یک ساله پژوهشگر در جامعه مورد پژوهش آسان نیست و معمولاً پژوهش‌ها به تناوب و در فصول مختلف صورت می‌گیرند.

نمونه‌گیری از افراد، رفتارها یا وقایع در پژوهش مردم‌نگاری

همه پژوهش‌های مردم‌نگاری، مطالعه موردی تلقی می‌شوند، مورد پدیده‌ای است که در زمان و مکان قرار دارد و درباره آن، داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌شوند (Hammersley, 1992)، در مردم‌نگاری، برای انتخاب یک یا چند مورد از جامعه کل، از نمونه‌گیری هدفمند که نوعی نمونه‌گیری غیر احتمالی است، استفاده می‌شود. در نمونه‌گیری هدفمند

^۴Visual Ethnography

^۵Global Ethnography

^۶Reflexive Ethnography

^۷Intensive

^۸Nonprobability Sampling

پژوهشگر، تمعدا به انتخاب محیط ها، افراد یا وقایع خاصی می پردازد که حاوی اطلاعات مهمی است که کسب آن از طریق انتخاب های دیگر ممکن نیست. قدرت نمونه گیری هدفمند در انتخاب موارد غنی از اطلاعات برای مطالعه عمیق اهمیت دارد. نمونه گیری بر اساس معیار و نمونه گیری زنجیره ای یا گلوله برفی از راهبردهای نمونه گیری هدفمند است که در روش پژوهشی مردم نگاری کاربرد زیادی دارد (ایمان، ۱۳۹۱).

گردآوری داده ها در پژوهش مردم نگاری

تعیین نحوه مشارکت پژوهشگر در پژوهش مردم نگاری

در خصوص تعداد پژوهشگر در پژوهش مردم نگاری، باید توجه داشت که کثرت افراد ممکن است مانعی برای پژوهش باشد؛ لذا توصیه می شود تعداد پژوهشگر کم و حداکثر از سه نفر تجاوز نکند و این نکته نیز در نظر گرفته شود که هر یک از سه نفر از نظر تخصص و ویژگی های فردی مکمل یکدیگر باشند. باین وجود، تجربه نشان داده است که پژوهش انفرادی نتیجه ای بیشتر و بهتر داشته است (نوروزی، ۱۳۸۸).

در خصوص نقش پژوهشگر در میدان پژوهش باید گفت که؛ در پژوهش های مردم نگاری، پژوهشگر به منزله ی ابزار پژوهش محسوب می شود. مشابه سایر پژوهش های کیفی، پژوهشگر شبیه مشارکت کننده می شود تا به عنوان جزیی از فرهنگ بتواند، بهتر و واقعی تر افراد یک جامعه را بررسی کند. این امر موجب می شود، پژوهشگر در فرهنگ مورد بررسی محو گردد تا تفسیر و تحلیل به دست آمده تا حد امکان واقعی باشد (ادیب حاج باقری، پرویزی، & صصلی، ۱۳۸۶). قوم نگاری کاری میدانی بر اساس روش مشاهده شرکت کننده است که در بلند مدت انجام می شود و روش آن استقرایی و باز است (Seligmann & Estes, 2019).

در پژوهش مردم نگاری نقش افراد مورد مطالعه در پژوهش نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سه راهبردی که در این خصوص یک مردم نگار برای درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم می تواند از آنها استفاده کند، عبارت اند از:

۱. افراد مورد مطالعه به عنوان آزمایش شونده
۲. استفاده از افراد مورد مطالعه به عنوان پاسخگو در این روش
۳. استفاده از افراد مورد مطالعه به عنوان اطلاع رسان (Tracy, 2010)

تعیین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش «مردم نگاری»

از آنجاکه پژوهش مردم نگاری دارای اهداف و دامنه وسیعی است، این نوع پژوهش در طرح خود از روش های گوناگون زیادی استفاده می کند. مصاحبه، مشاهده و یادداشت های میدانی نمونه ای از روش هایی هستند که معمولاً در مردم نگاری ترکیب می شوند. از آنجاکه هدف مردم نگاری فراهم آوردن تصویری کامل از جهان اجتماعی است، گوناگونی منابع اطلاعاتی و تکنیک های جمع آوری اطلاعات به مانند میزان زمان سپری شده در میدان و نوشتن مداوم، دارای اهمیت می باشد (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۹).

بازنگری اسناد و رونویسی در پژوهش مردم نگاری

پس از پایان پذیرفتن مشاهدات، باید به ثبت آنها پرداخت. باید توجه داشت که علاوه بر مشاهدات، احساسات و برداشت پژوهشگر از حوادث نیز ثبت و ضبط شود. پس از جمع آوری داده ها ممکن است قلمرو تازه ای ایجاد شود که نیازمند بررسی، شناخت، تفسیر، تحلیل و جمع آوری داده های بیشتر باشد (خنifer & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۰).

تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش «مردم نگاری»

بررسی یادداشت های میدانی

در مردم نگاری، تجزیه و تحلیل داده ها، هم زمان با جمع آوری آن انجام می گیرد. برای یک مردم نگار نوشتن مکمل روش مردم نگاری می باشد. مردم نگار در طول پژوهش (و نه بعد از پژوهش) به نوشتن می پردازد حتی یادداشت های یاد یار، با

یادآورها را که به سان جرقه های ذهنی هستند نیز لحاظ می کند و آنها را قبل از پاک شدن از حافظه، کنار یادداشت ها قید می کند. به همین دلیل است که در نوشتارهای مردم شناسان حرفه ای، حاشیه نویسی و شکار نکته زیاد مشاهده می شود. از آنجاکه کار مردم نگاری با تهیه ی یک گزارشی کامل و مفصل خاتمه می یابد، در نتیجه اهمیت مستدل کردن و یادداشت برداری روزانه در مردم نگاری مشهود است (Latour, 2005).

تحلیل مقایسه ای گروه ها یا موقعیت ها

منظور از تحلیل در این گام، تنظیم داده های حاصل از مشاهده، مصاحبه، اسناد و مدارک و ... در مقوله های مورد نظر و یافتن رابطه ی بین آنها می باشد (نعمتی شمس آبادی، ۱۳۸۷).

خروج از میدان

ترک میدان نیز گاه تقریباً به همان اندازه ورود به میدان دشوار است. باتوجه به تلاش لازم برای جا افتادن در یک اجتماع، جدا شدن از دوستان و نوع زندگی که پژوهشگر در جریان پژوهش به آن خو گرفته است گاه تجربه تلخی تلقی می شود. از جنبه کاری هم اغلب این نگرانی عذاب آور وجود دارد که آیا پروژه واقع به اتمام رسیده است که البته نگرانی به جایی است.

ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی پژوهش مردم نگاری

نوشتن یافته ها و تجزیه و تحلیل در پژوهش «مردم نگاری»

از جمله حساس ترین نگارش ها، گزارش نویسی در پژوهش مردم نگاری است که باید چهار اصل در آن رعایت شود:

۱. شناخت کافی از عمق مسائل جامعه مورد مطالعه
۲. درآمیختن و زندگی در محل مورد مطالعه
۳. پرهیز از تحمیل نظر شخصی بر واقعیت ها
۴. احتیاط در تعمیم ها و قضاوت ها

نوشتن نتیجه گیری ها و مفاهیم در پژوهش مردم نگاری

برخلاف پژوهش های آزمایشی و غیر آزمایشی، در این پژوهش ها نتیجه گیری پس از هر مرحله از مشاهدات و در جریان پژوهش صورت می گیرد. نوشتن توصیف مردم نگاری، آخرین فرآورده ی پژوهش است. یک مردم نگاری نوشته شده رشته مفاهیم موجود در آن فرهنگ را با واژگانی که برای خواننده معنادار است، بیان می کند و این نوشته مثل هر ترجمه ای ناقص است. زیرا هیچ وقت معانی مفاهیم، در دو فرهنگی جداگانه، دقیقاً مثل هم نیستند، یک مردم نگاری خوب می تواند با زحمات زیاد، خوانندگان را با معرفت فرهنگی یک گروه بیگانه آشنا سازد (اسپردلی & مک کوردی، ۱۳۷۲).

برای نوشتن توصیف مردم نگاری، باید موارد زیر را فراهم کرد:

- یک سلسله یادداشت ها از مشاهدات و مصاحبه ها که به ترتیب زمانی ثبت شده اند.
- فهرستی از حوزه های مختلف که زمینه های فرهنگی موضوع مورد مطالعه را پوشش می دهند.
- یک یا چند رشته واژگان که بر مبنای موضوع پژوهشی مرتب شده اند.
- یک یا چند سلسله صفات برای موضوعات انتخاب شده.
- نقل قول های متعدد از اطلاع رسان که بر مبنای مقولات مورد مطالعه کدگذاری شده باشند.
- بیانات توصیفی متعدد از مشاهدات که بر مبنای مقولات مورد مطالعه کدگذاری شده باشند.

• بهتر این است که نوشتن توصیف، با خلاصه‌ای از گزارش شروع شود، این خلاصه می‌تواند شامل مقدمه

روش پژوهش میدانی، شرایط و توصیف فرهنگی باشد (Tracy, 2010).

تهیه پیش‌نویسی، پرداخت متن و انتشار در پژوهش مردم‌نگاری

به نگارش در آوردن یافته‌ها در واقع اشتراک آنها و تبادل نظر با سایرین است. نخست پژوهشگر باید مخاطبان خود را مشخص کند، آیا نتایج به صورت کتاب برای نودهی مردم، منتشر می‌شود یا حاصل پژوهش مردم‌نگاری به شکل مقاله ای در مجله خواهد بود. در هر حال نسخه‌های متعددی باید نگاشت تا متن دلخواه با جزئیات موردنظر باتوجه‌به مخاطبان آن، حاصل شود (ادیب حاج باقری، پرویزی، & صلصالی، ۱۳۸۶).

ارزیابی کیفیت پژوهش مردم‌نگاری

بهترین ارزیابان پژوهش مردم‌نگاری متخصصین مردم‌نگاری آشنا به آن عرصه هستند که گاهی حتی از این را تحصیل کرده‌ی محلی می‌باشند. کیفیت داده‌های تجربی و ادعاهای تئوری یک مطالعه^۴ مردم‌نگاری نمی‌تواند توسط مفاهیم کمیتی مانند اعتبار و پایایی، ارزیابی شود بلکه توسط معیارهای متفاوتی مانند قابلیت اعتماد^۵ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (خنیفر & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۲).

انتقادات وارده به روش پژوهش «مردم‌نگاری»

تحقیقات قوم‌نگاری دارای یک اشکال اساسی هستند که به قابلیت اطمینان مربوط است. تکرار تحقیقات قوم‌نگاری دشوار است زیرا یک رویداد در محیط طبیعی نمی‌تواند تکثیر شود. همچنین یک مشکل اصلی در ارتباط با اعتبار وجود دارد. بر خلاف دیگر تحقیقات که در آن محقق می‌تواند حداکثر متغیرهای خارجی را کنترل کند در تحقیقات قوم‌نگاری این امکان وجود ندارد زیرا تحقیق در محیط طبیعی و باتوجه‌به دوره زمانی طولانی انجام می‌شود (Nurani, 2008). توصیف؛ اگرچه مردم‌نگاری می‌تواند یک تصویر روشن و دقیق از واقعیت مورد مطالعه را منعکس سازد ولی باقی‌ماندن بر این امر، به معنای ضعف در ترسیم نظام اجتماعی است.

فشار در رویکرد پژوهش؛ فشار موجود در رویکرد پژوهش مردم‌نگاری، ناشی از دو اصل طبیعت‌گرایی و انعطاف‌پذیری آن است. تمامی سعی پژوهشگر معطوف بر تعدیل این فشارها برای بهینه کردن انعکاس واقعیت است که مسلماً تا حدی موجب خطا در پژوهش می‌شود.

پایایی؛ مردم‌نگاری با ضعف در پایایی و تعمیم حداقل در یافته‌ها روبه‌روست.

اخلاق در پژوهش؛ در مردم‌نگاری بیش از پژوهش‌های دیگر، اخلاق پژوهش مورد تاکید قرار گرفته و انجام دقیق پژوهش را با مشکل روبه‌رو ساخته است.

فاصله‌گرفتن از معیار علمی؛ گرایش به سمت احساسی شدن یافته‌ها و برداشت‌ها و تمرکز بر جنبه‌های هنری زیبایی‌شناختی در مرحله بازنمایی یافته‌های پژوهشی و عدم تمرکز بر جنبه‌های علمی یک پژوهش است (خنیفر & مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۲).

^۴Reliability

^۵Naturalism

^۶Flexability

منابع

- ادیب حاج باقری، م.، پرویزی، س.، & صصالی، م. (۱۳۸۶). روشهای تحقیق کیفی. تهران: بشری.
- اسپردلی، ج. پ.، & مک کوردی، د. (۱۳۷۲). پژوهش فرهنگی؛ مردم نگاری در جوامع پیچیده. (ب. محمدی، مترجم) تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ایمان، م. (۱۳۹۱). روششناسی تحقیقات کیفی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمانی، م. (۱۳۸۱). تحقیق قوم نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، ۳۷-۶۲.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۴). مقدمهای بر روشهای تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: دیدار.
- خنیفیر، ح.، & مسلمی، ن. (۱۳۹۸). اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی، جلد دوم. نگاه دانش.
- سرمد، ز.، بازرگان، ع.، & حجازی، ا. (۱۳۸۵). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.
- سلیمانی، م. (۱۳۸۸). بازنمایی گفتمانهای تجربه دینی در سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: فکوهی، ن. (۱۳۸۵). پاره های انسانشناسی. تهران: انتشارات نی.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. (ه. جلیلی، مترجم) تهران: انتشارات نی.
- محمد پور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲. تهران: انتشارات جامع شناسان.
- مک نیل، پ. (۱۳۷۶). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: انتشارات آگه.
- منادی، م. (۱۳۸۶). مقاله مردم نگاری. فصلنامه حوزه و دانشگاه. پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- میره جینی، ه. (۱۳۸۷). پژوهش مردمنگاری شهرستان فومن. گیلان: واحد تحقیقات صدا و سیما.
- نادری، ع.، & سیف نراقی، م. (۱۳۸۶). روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: انتشارات بدر.
- نعمتی شمس آبادی، ح. (۱۳۸۷). روش تحقیق مردمنگاری در حوزه سیستم اطلاعات. تهران: انتشارات فاخر.
- نوروزی، ک. (۱۳۸۸). پژوهش های فرهنگی: مردم نگاری در جوامع پیچیده. بازیابی از www.aghorbani.blogfa.com

Bochner, A. P. (2000). Criteria against ourselves. Qualitive Inquiry.

Button, G. (2000). The ethnographic tradition and design. Xerox Research Centre Europe, Cambridge Laboratory.

Conquergood, D. (1992). Ethnography, rhetoric, and performance. Quarterly Journal of Speech.

Denzin, N. (1978). Sociological Methods. New York: McGraw-Hill.

Dietze, P. M. (2003). The relationship of ethnography to illicit drug surveillance. Drug Policy.

Goodall, J. H. (2000). Writing the New Ethnography. Lanham: AltaMira Press.

Hammersley, M. (1992). What's Wrong with ethnography? Methodological Explorations. London: Routledge.

Latour, B. (2005). Rassembling the Social: An Introduction to Actor-Network Theory. Oxford: Oxford University Press.

Nurani, L. M. (2008). CRITICAL REVIEW OF ETHNOGRAPHIC APPROACH. Jurnal Sosioteknologi.

Richardson, L. (2000). Evaluating Ethnography. Social Sciences.

- Sanday, P. R. (1979, 12). The ethnographic paradigmaigs. (P. R. Sanday, Performer(Seligmann, L. j., & Estes, B. P. (2019). Innovations in Ethnographic. American Behavioral Scientist.
- Tracy, S. J. (2010). Qualitative quality: Eight "big-tent" criteria for excellent qualitative research. -: Qualitative Inquiry.
- Van Maanen, J. (1988). Tales of the field. Chicago: University of Chicago Press.